

تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان

با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن

مریم رفعت‌جاه

دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، عضو هیئت علمی گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

مرجان رشوند

کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

مریم شهیدی‌زندگی

کارشناسی ارشد مطالعات زنان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

فراغت در معنای جدید آن پدیده‌ای است تازه که بر اثر صنعتی‌شدن و شهرنشینی به وجود آمده و نمی‌توان آن را با بیکاری قرون گذشته مقایسه کرد. در این معنا اوقات فراغت هنگامی است که در آن شخص هر گونه که می‌خواهد عمل می‌کند و فعالیت الزام‌آوری در آن وجود ندارد در نتیجه با نوعی طیب خاطر و رضایت سپری می‌شود. از این رو اوقات فراغت را می‌توان مهمترین و دلپذیرترین اوقات انسان دانست. این اوقات ممکن است که برای عده‌ای متضمن تعمق و تفکر و ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای بیشتر شامل بازآفرینی قوای جسمی و روانی و برای برخی دیگر صرفاً شامل سرگرمی و تفریح باشد. فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از

چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیین‌های فرهنگ جامعه یاد می‌کنند. به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه است. با افزایش اهمیت فراغت ارزش‌های مارکس و ریکاردو در باره‌ی اهمیت کار و جایگاه تولیدی در شکل‌دهی به شخصیت و هویت انسان کم‌رنگ شده است. در گذشته فراغت کم و بیش با بیکاری و بی‌مصرفی همراه بود و مادر تمام شرها محسوب می‌شد، اما امروزه فراغت مبنای یک اخلاق جدید مبتنی بر نیک‌بختی است. در هر حال انسان به علت تفاوت ماهوی‌اش با سایر موجودات، حتی در ساده‌ترین اشکال زندگی، به فرصتی خارج از زندگی روزمره‌اش نیاز دارد تا در این فرصت بسیاری از کنجکاو‌ها،

تنوع طلبی‌ها و نیازهایش را ارضا کند و این فرصت که فراغت نامیده می‌شود در بازپروری انسان‌ها نقش بسزایی دارد. در گذران اوقات فراغت سن، طبقه‌بندی اجتماعی - اقتصادی، گرایش مذهبی و جنسیت باعث ایجاد مرزبندی‌ها و تفاوت‌هایی می‌شود. در این میان به نظر می‌رسد سن و مرحله‌ی زندگی بر کمیت و کیفیت فراغت افراد تأثیری تعیین‌کننده بر جای می‌گذارد. از آنجا که نرخ جمعیت جوانان در جامعه‌ی ما بالا بوده و در مورد قشر جوان جنبه‌های آسیبی هم بیشتر مطرح است، اهمیت مطالعه و شناخت آسیب‌های فراغتی هم بیشتر می‌شود. از این رو در این پژوهش سعی ما بر این بوده که نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دختران جوان را با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن بررسی کنیم.



بیان مسأله

بی‌تردید هنگام صحبت درباره‌ی اوقات فراغت سخن از ارزشمندی این اوقات است، زیرا اوقات فراغت بستر مناسبی برای رشد شخصیت و اعتلای وجود و در عین حال زمینه‌ی همواری برای بروز اختلافات رفتاری، انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی است.

امروزه به علت اهمیت و آثار سازنده و مثبتی که در نتیجه‌ی بهره‌وری مطلوب از اوقات فراغت در زمینه‌های مختلف وجود دارد، این امر مورد توجه خاص صاحب‌نظران و سیاستمداران به ویژه برنامه‌ریزان امور فرهنگی قرار گرفته است و از طرف دیگر دید متفاوت انسان امروز به مقوله‌ی کار و فراغت، فراغت را به امری مهم تبدیل کرده به نحوی که

در برنامه‌ریزی دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

امروزه افراد، در بودجه‌ی خانوادگی خود سهم بیشتری به اوقات فراغت اختصاص می‌دهد. به نظر دومازدیه، در قرن بیستم، فراغت رفته رفته نه تنها به عنوان حق فرد بلکه به عنوان یک ارزش تثبیت شده است و «احساس فقیر شدن» هنگامی به افراد دست می‌دهد که در زمینه‌ی اوقات فراغت «نیازها» سریع‌تر از «میزان رضایتمندی» آنها افزایش یابد (همان).

دولت‌ها باید برای اوقات فراغت افراد امکاناتی را فراهم کنند وگرنه افراد خود از طرقی که همواره به نفع جامعه نیست راه‌حلهایی پیدا خواهند کرد. بنابراین سیاست فرهنگی باید با در نظر داشتن ذوق و عادات مردم موجب

ایجاد وسایل سودمند برای گذران اوقات فراغت و راهنمایی مردم به انتخاب آزاد آن وسایل باشد. یکی از مشکلات جوامع فعلی فراهم آوردن وسایل تفریحات سالم و کافی است، با اینکه نبودن وسایل تفریحی به هیچ وجه علت منحصر به فرد کجروی نیست اما به عنوان یکی از عوامل آن محسوب می‌شود. تحقیقات متعدد نشان داده است که رواج انواع فراغت-های آسیب‌زا در بسیاری از کشورها از نداشتن امکانات مناسب تفریحی، آگاهی نداشتن، نداشتن برنامه‌ی صحیح و نیز سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نادرست نشئت گرفته و موجب شده بسیاری از نوجوانان و جوانان به سوی فعالیت‌ها و تفریحات ناسالم کشیده شوند (سلگی ۱۳۷۴: ۳). طبیعی است نیاز

به اوقات فراغت مربوط به قشر خاصی نبوده و از طرفی ذخیره‌ی اطلاعات افراد می‌تواند مرزبندی‌های بیولوژیکی را محو کند اما به دلیل نرخ بالای جمعیت جوان کشور ما هدایت و ایجاد امکانات برای گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در سازندگی جامعه نقش بسزایی دارد. در واقع فعالیت‌های فراغتی برای یک جوان، محلی برای آزمون و خطا و تجربه اندوزی است و او را برای ورود به اجتماع و مسئولیت‌پذیری در آینده آماده و مجهز می‌کند. طبق بررسی‌های جامعه‌شناسان بروز بزهکاری‌ها و کجروی‌ها در اوقات

منش شالوده‌ای دارد
که تمام گزینه‌های
فراغت بر آن بنا
نهاده شده و افراد با
تشکیل منش به طیفی
از شایستگی‌های
فرهنگی یا سرمایه‌ی
فرهنگی دست
می‌یابند که انواع
خاصی از فعالیت‌های
اوقات فراغت را کم و
بیش در اختیارشان
قرار می‌دهد یا
امکان‌پذیر می‌سازد.

فراغت بیش از اوقات کار است پس باید اوقات فراغت برای جوانان طوری طراحی شود تا از بروز موارد آسیب‌زا جلوگیری کند.

از طرف دیگر دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه‌ی ایران به یک سری برنامه‌های فراغتی متفاوت با

پسران نیاز دارند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از جمله گذران اوقات فراغت آنها ناشی از تفاوت روحیاتشان باشد. کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران جوان به کاهش کارایی در محیط کار، تحصیل و خستگی و افسردگی دامن می‌زند و چه بسا باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌ی اجتماع و خانواده می‌شود.

نگاهی به وضعیت کنونی زنان در ایران حاکی است که آنها در عرصه‌های مختلف سعی کرده‌اند تا توانایی‌های خود را نشان دهند. افزایش چشمگیر ورود دختران به مراکز آموزش عالی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است. دختران جوان امروز که زنان آینده‌ی ایران هستند چه در نقش‌های خانوادگی و چه در نقش‌های اجتماعی در کنار آموختن و کار و تلاش نیازمند اوقات فراغت برای تجدید قوا هستند و پژوهش‌درباره‌ی اوقات فراغت این قشر می‌تواند چند و چون و کاستی‌های احتمالی را در این زمینه روشن سازد.

پژوهش‌های انجام شده در ایران حاکی است بسیاری از انحرافات در میان جوانان نتیجه‌ی فقدان برنامه‌ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت بوده است (سلگی، ۱۳۸۲؛ رفعت‌جابه، ۱۳۸۷؛ کاظمی، ۱۳۸۷).

اگرچه روش‌های گذران اوقات فراغت بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی متفاوت است، اما در میان جوانان به دلیل خصایص ویژه‌ی دوره‌ی جوانی معمولاً با آسیب‌های بیشتری همراه است. افزایش سال‌های تحصیل، تاخیر در ورود افراد به بازار کار و افزایش سن ازدواج، دوران جوانی را طولانی کرده است. انسان‌ها امروزه از کودکی مستقیماً به بزرگسالی قدم نمی‌گذارد بلکه دوره‌ای در زندگی او وجود دارد که با فقدان یا کمی مسئولیت همراه است از این رو اوقات فراغت در آن سهم بزرگی یافته است. در این دوران گاه

رفتارهایی از فرد مشاهده می‌شود که مورد تأیید و تجویز جامعه نیست و گاه نیز انحرافی تلقی می‌شود. انتخاب چگونگی گذران اوقات فراغت متأثر از عواملی مانند سن، جنس، طبقه‌ی اجتماعی و سبک زندگی است و بر اساس این عوامل می‌توان رویه‌هایی را در آن مشاهده کرد. این رویه‌ها ما را به الگوهای فراغتی افراد هدایت می‌کند. الگوهای فراغتی نامناسب به خصوص در قشر جوان می‌تواند آنها را از چارچوب‌های پذیرفته شده در جامعه دور ساخته و آسیب‌هایی را در این گروه اجتماعی موجب شود.

نیاز به اوقات فراغت مربوط به یک قشر خاص نیست اما از آنجا که ایران با میانگین سنی جوان در ردیف کشورهای جوان قرار دارد، توجه خاص به فراغت و ایجاد امکانات برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت آنان و همین‌طور سازندگی جامعه داشته باشد. تحقیقات متعدد در این باره نشان می‌دهد کمبود امکانات تفریحی و نداشتن برنامه‌ریزی در اجرای صحیح سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، جوانان را به سوی فعالیت‌های ناسالم و انواع تفریحات آسیب‌زا سوق می‌دهد و ممکن است مبنایی برای بروز کجروی در این قشر فراهم آورد (سلگی، ۱۳۸۲؛ ۳۹). با توجه به مطالب فوق و یکسان نبودن دسترسی گروه‌های مختلف اجتماعی به فضاها و امکانات فراغتی در این پژوهش به تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران دانشجوی و شناسایی عوامل مؤثر در گرایش آنها به فراغت‌های آسیب‌زا پرداخته‌ایم. با توجه به اینکه دانشگاه آخرین مرکز تحصیل رسمی است که می‌تواند افراد را به فراگیری مهارت‌های زندگی تشویق کند و یکی از نقش‌های نهادهای آموزشی پرورش مهارت‌های دانشجویان برای گذران اوقات فراغت است، از این رو مطالعه‌ی چگونگی اوقات فراغت دانشجویان به لحاظ میزان

توجه به این نیاز و مهارت و تحقق آن در این افراد اهمیت زیادی دارد.

از طرف دیگر، تحلیل جنسیتی اوقات فراغت به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازهای خاص فراغتی دختران جوان را بر اساس مقتضیات روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و آسیب‌های بالقوه‌ی اوقات فراغت را در این گروه با دقت بیشتری بررسی کنیم. در این راستا در نظر داریم تا در پایان این تحقیق به پرسش‌های زیر پاسخ گوئیم: اوقات فراغت دختران جوان چگونه سپری می‌شود؟ تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن کدام است؟

جهت یافتن پاسخ کامل‌تر برای سوالات اصلی تحقیق پرسش‌هایی به عنوان زیر مجموعه‌ی این پرسش‌ها مدنظر قرار گرفته که عبارتند از:

- فراغت در ذهن دختران مطالعه شده چه معنایی دارد؟
- میزان فراغت دختران مزبور چقدر است و آن را چگونه سپری می‌کنند؟
- آیا در فراغت این دختران جنبه‌های آسیب‌زا وجود دارد؟
- عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر فراغت دختران مطالعه شده کدام است؟
- چه عوامل عمده‌ای بر آسیب‌زا شدن اوقات فراغت دختران تأثیر می‌گذارند؟

مروری بر ادبیات پژوهش

۱) مروری بر پژوهش‌های خارجی
الف- تأثیرات نسل و سن بر گذران اوقات فراغت: در بیشتر مطالعات مربوط به فراغت نسل و تفاوت‌های نسلی بررسی شده است (راپاپورت و دیگران ۱۹۷۵؛ رابینسون و گادی، ۱۹۹۹). بر اساس این مطالعات سلیقه‌ها، طرز تلقی‌های سیاسی و تعلقات افراد با سن تغییر می‌کند و فرهنگ جوانی بسیار معطوف به فرهنگ توده‌ای است که بیشتر بر رسانه‌های تصویری و الکترونیکی مبتنی است. همچنین جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه‌های جمعی هستند تا خانواده و ارزش‌های جمعی

و محلی و فراغت‌های آنان تحت تسلط فرایند فردگرایی و توسعه‌ی هویت‌های جنسیتی است.

ب- تأثیر جنسیت بر فراغت: بیتمن و وایکمن (۲۰۰۰) در تحقیق خود دریافتند که کار پنهان خانگی فراغت زنان خانه‌دار را از بین می‌برد و اصولاً حضور مردان در خانه برای فراغت و تجدید قواست در حالی که همین حضور برای زنان آمیخته با کار و نگرانی‌های ناشی از عرضه‌ی خدمات مناسب به اعضای خانواده است. در عین حال این دو محقق دریافتند که الگوی گذران فراغت زنان ناشی از سن و وضعیت تأهل آنهاست. بیتمن و وایکمن با توجه به فعالیت‌های هم‌زمان با فراغت به نوعی تفاوت جنسیتی در کیفیت زمان فراغت پی بردند. آنها بین فراغت «خالص» و فراغت «منقطع» فرق گذاشتند. بنابر تحقیق ایشان مردان بیشتر زمان فراغت خالص دارند در حالی که فراغت زنان به دلیل هم‌زمانی فعالیت‌های متقاطع، منقطع است. در عین حال به نظر می‌رسد که فراغت زنان بیشتر مبتنی بر بازتوانی باشد تا فراغت خالص. این دو محقق نشان دادند که با لحاظ فعالیت‌های هم‌زمان با فراغت می‌توان کیفیت فراغت را سنجید. آیتچیسون (۲۰۰۰) در مطالعه‌ی انتقادی خود معتقد است، فضا به شدت با جنسیت در ارتباط است و جنسی شدن فضا بر فعالیت‌های فراغتی در محیط اجتماعی تأثیر مستقیم می‌گذارد و همین امر فضا را برای زنان ریسک‌آمیز می‌سازد.

۲) مروری بر پژوهش‌های داخلی
در زمینه‌ی گذران اوقات فراغت تا به امروز پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی متعددی در ایران به نگارش درآمده است اما از میان آنها پژوهش‌های زیر تا حدی به موضوع مطالعه‌ی ما نزدیک است. سمیه شفیعی طی پژوهشی (۱۳۸۳) رضایتمندی زنان از فراغتشان را به روش پیمایشی مطالعه کرده است. هدف این پژوهش شناخت میزان بهره‌مندی زنان

از اوقات فراغت، میزان گذران اوقات فراغت در درون و بیرون از خانه و میزان رضامندی زنان از اوقات فراغتشان بوده است. براساس این پژوهش میزان اوقات فراغت و میزان رضامندی زنان از فراغتشان با تقسیم مشارکتی کار در خانه، پایگاه اجتماعی، اقتصادی زن و میزان قدرت تصمیم‌گیری او رابطه‌ی مستقیم و با تعداد فرزندان خردسال او رابطه‌ی معکوس دارد.

منوچهر اشرف الکتابی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی تغییرات نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل» انجام داده است (۱۳۷۹).

از نظر آدورنو علی‌رغم

افزایش ظاهری آزادی

انتخاب در جوامع

سرمایه‌داری، در واقع

سلطه‌ی فرهنگی و

روابط محاسبه‌گرایانه و

سودجویانه افزایش یافته

است. آزادی و افزایش زمان

فراغت توهمی بیش نیست،

زیرا مردم در جامعه‌ی

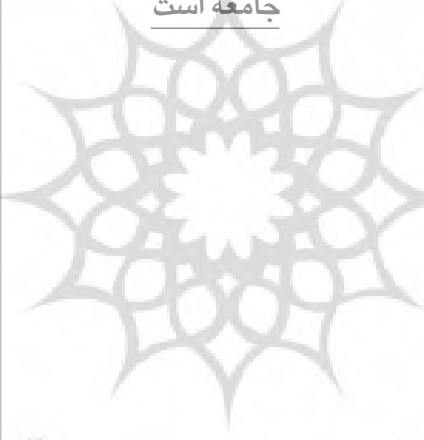
سرمایه‌داری تحت تسلط

صنعت فرهنگ و نیازهای

فرهنگی ساختگی قرار دارند

در این طرح گذران اوقات فراغت به شکل مقایسه‌ای هم میان جنس‌های مختلف و هم در سه نسل مختلف از یک خانواده مطالعه شده است. هدف پژوهش شناخت نوع و میزان دگرگونی اوقات فراغت خانواده‌های تهرانی و مقایسه‌ی آن میان سه نسل بوده است. بر اساس نتایج تحقیق، مفهوم اوقات فراغت در

اوقات فراغت با ارزش‌ها و نگرش‌های افراد رابطه‌ی نزدیکی دارد. معمولاً فرد در اوقات فراغت فعالیت مورد علاقه‌ی خود را انجام می‌دهد و از این طریق شخصیت خود را شکل داده و آن را ابراز می‌کند. بنابراین هم ارزش‌ها و هم توانایی‌های فرد از طریق اوقات فراغت او نمایان می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف فرهنگ آن جامعه است



جامعه‌ی روستایی- سنتی و در جامعه‌ی شهری- صنعتی تغییر فراوان کرده و به نظر می‌رسد فراغت به عنوان نهاد تازه- ای که کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد در جامعه شکل گرفته است. همچنین الگوی فراغت سه نسل با یکدیگر تفاوت دارد و متغیرهای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، شغل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد. پژوهش سوم، توسط فرشته انصاری با نام «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی در دانش آموزان دختر دبیرستانی» انجام گرفته است (۱۳۸۲). محل اجرای این پژوهش دو دبیرستان دخترانه در مناطق ۲ و ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه، مشاهده و مصاحبه بوده است. این پژوهش به‌منظور بررسی تأثیر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بر شکل‌گیری شخصیت فرهنگی افراد مطالعه شده است. بر اساس نتایج تحقیق درآمد و نوع شغل پدر، میزان دسترسی فرد به امکانات و سطح تحصیلات والدین با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ارتباط مستقیم دارد. همچنین ارزش‌ها و نگرش‌ها و اعتقادات دینی که خانواده

برای گذران اوقات فراغت به فرزند خود می‌دهد بر نوع گذران فراغت آنها مؤثر است. در افراد با پایگاه اقتصادی، اجتماعی پایین اوقات فراغت درون خانگی و نارضایتی از اوقات فراغت بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است.

همچنین در سازمان ملی جوانان، طرح پژوهشی «بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان» توسط گروهی از پژوهشگران بر روی جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال اجرا شده است. در این پژوهش اسنادی فعالیت‌های اجرایی سازمان‌های مرتبط با اوقات فراغت در مقطع زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ با روش کمی بررسی و ارزیابی شده است. هدف سازمان ملی جوانان در اجرای این طرح بالا بردن سطح آگاهی و شناخت افراد جامعه به ویژه مسئولان نسبت به موضوع فراغت و ایجاد زمینه‌ی مشارکت ملی برای پرداختن به موضوع فراغت جوانان از یک سو و جلب مشارکت جوانان در مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اوقات فراغت از سوی دیگر عنوان شده است. این پژوهش جنبه‌ی توصیفی داشته و فاقد بعد تبیینی است.

«بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در بین دانشجویان کشور» (۱۳۸۷) نیز



عنوان پژوهشی است که توسط عباس کاظمی به انجام رسیده است. براساس یافته‌های این پژوهش از میان سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت، گرایش دانشجویان به سبک رسانه‌محور بیشتر از سایر سبک‌ها بوده است و محتوای مصرف رسانه‌ای دانشجویان نیز بیشتر سرگرمی محور است تا آموزش محور. از سوی دیگر دانشجویان کمترین تمایل و علاقه را نسبت به سبک‌های اجتماع محور و سیاست محور نشان داده‌اند. سبک‌های فراغتی تفریح محور و ورزش محور نیز با اقبال کمی مواجه بوده و کمترین همبستگی را با سبک رسانه محور دارد که نشان می‌دهد استفاده از رسانه موجب تقویت اجتماع‌گریزی و انزواجویی در جوانان دانشجو می‌شود. در تحلیل‌های جنسیتی، زنان بیشتر از مردان به سبک‌های فراغتی مذهب محور و هنرمحور تمایل نشان داده‌اند و در عوض مردان بیشتر از زنان به فراغتهای ورزش محور و سیاست محور گرایش دارند. میزان اقبال زنان و مردان به سبک‌های فراغتی رسانه‌محور و تفریح محور یکسان بوده و تفاوتی نداشته است. سیمای دانشجویی که در این پژوهش به دست آمده سیاست‌گریز، متمایل به سرگرمی و در پی لذت و علاقه‌مند به فعالیت‌های فراغتی فردی است. به عبارت دیگر فراغتهای دانشجویان بسیار فردی، انفعالی، خانگی، رسانه محور و اغلب بدون برنامه تصویر شده است.

۳) مرور منابع نظری

از آنجا که مفهوم فراغت معانی متعدد دارد، بجاست پیش از طرح برخی از نظریه‌های مهم مربوط به آن خود این مفهوم واکاوی شود. فراغت را گاه در معنای زمان آزاد به کار برده‌اند و گاه به معنای فعالیتی آزادانه و دلخواه در نظر گرفته‌اند. دومازدیه با توجه به دگرگونی معنای فراغت و فعالیت‌های فراغتی سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است: الف) اولین هدف و کارکرد اوقات

فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند، زیرا این خستگی مطابق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه‌ی انسان به وی تحمیل می‌شود.

ب) کارکرد دیگر اوقات فراغت تفریح و سرگرمی است. تفریح دنیایی تازه، چه واقعی و چه خیالی، در برابر آدمی می‌گشاید که آدمی می‌تواند از خستگی روزانه‌ی ناشی از انجام دادن یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار کند.

ج) فراغت به فرد امکان رشد و شکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را که از سوی نهادهای اجتماعی بر وی تحمیل می‌شود، پشت سر گذاشته و به حوزه‌ای پا گذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند و یا آنها را تقویت کنند.

فراغتی که نتواند این سه کارکرد را در هر زمان فراهم کند، فراغتی است که در جامعه‌ی امروزی از حیث نیازهای شخصیت انسان ناقص تلقی می‌شود (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۱۹).

علاوه بر کارکردهای یاد شده، یکی از مهمترین کارکردهای مربوط به اوقات فراغت رشد فکری و فرهنگی است. کارکرد فکری و فرهنگی تنها کارکردی است که با تمام کارکردهای دیگر اوقات فراغت، رابطه‌ی متقابل و نزدیک و تفکیک‌ناپذیر دارد (کوهستانی و خلیل‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۸).

تورستاین وبلن، یکی از صاحب‌نظران پیشگام در این عرصه، فراغت را به عنوان موضوعی مستقل مطالعه و تبیین کرده و درباره‌ی تغییر نقش و کارکرد فعالیت در جامعه‌ی جدید نظریه‌پردازی کرده است. در نظریه‌ی او مصرف و فراغت چشمگیر (و نمایشی)، راهی است برای نمایاندن منزلت و موقعیت اجتماعی برای اینکه انسان‌ها در چشم دیگران برتر

جلوه کنند و برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند. آداب و روش‌های زندگی طبقات بالا با فراغت و مصرف چشمگیر توأم است. مصرف و فراغت چشمگیر، لزوماً منحصر به افرادی نیست که برای دستیابی به مقام و موقعیت بلندمرتبه با دیگران رقابت می‌کنند بلکه بستگان این افراد از جمله همسران و خدمتگزاران آنها هم می‌توانند با این نوع سبک زندگی و فراغت، منزلت صاحبان سرمایه را به نمایش بگذارند. به نظر وبلن، در جوامع مدرن، مصرف چشمگیر (متظاهرانه) و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است. در چنین فرهنگ‌های رقابت‌آمیزی، افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه‌ی بالاتر و تظاهر به فراغتهای مدرن به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳۸۰، کوزر، ۱۳۶۲).

نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت نیز با طرح انتقاد از جامعه‌ی سرمایه‌داری و سلطه‌ی فرایندهای اقتصادی بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم از جمله عرصه‌ی فراغت، دیدگاهی مشابه با وبلن اتخاذ کرده و به گونه دیگری نشان می‌دهند که چگونه فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام‌ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. برای مثال، از نظر آدورنو علی‌رغم افزایش ظاهری آزادی انتخاب در جوامع سرمایه‌داری، در واقع سلطه‌ی فرهنگی و روابط محاسبه‌گرایانه و سودجویانه افزایش یافته است. آزادی و افزایش زمان فراغت توهمی بیش نیست، زیرا مردم در جامعه‌ی سرمایه‌داری تحت تسلط صنعت فرهنگ و نیازهای فرهنگی ساختگی قرار دارند. اوقات فراغت در حقیقت به صورت کالا تولید و تحویل بازارهای پرمشتری می‌شود. آزادی انتخابی ارائه شده از طریق بازارهای اوقات فراغت، به هیچ وجه حق انتخاب به شمار نمی‌آید. در واقع افراد در

دام مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری گرفتار آمده‌اند. آدورنو و هورکهایمر فراغت‌های مصرفی و سرمایه‌دارانه را ابزاری برای سلطه‌ی بیشتر می‌شمارند و مؤسسات فراغتی را مؤسسات سوق دهنده‌ی مردم به طرف اشکال مقبول اوقات فراغت و بازتولید ساختار اجتماعی می‌دانند (هورکهایمر و آدورنو، ۱۳۸۰؛ هی‌وود، ۱۳۸۰: ۳۳۵ و ۳۳۶).

در این دیدگاه، یکی از موضوعات مهم برای شناخت اوقات فراغت این است که مقاومت در مقابل نابرابری‌های سرمایه‌داری با ارائه نظرات و اندیشه‌های طبقه‌ی مسلط و کنترل‌های فرهنگی، خنثی شده و از مسیر خود منحرف می‌شود. طبقه‌ی حاکم افراد را از طریق هژمونی سیاسی و فرهنگی به طرف مصرف هرچه بیشتر سوق می‌دهد. بدین سان اوقات فراغت نیز به صورت کالایی مصرفی در می‌آید. صنعت فرهنگ برای مردم تفریحات توده‌ای توأم با مصرف و خرید را فراهم آورده و اینها به نیازهای کاذبی تبدیل می‌شود که نیروی محرکه‌ی آن از طریق تبلیغات و نمایش کاخ‌های مصرف تأمین می‌شود (همان: ۳۵۳ و ۳۵۴).

گرین نیز همچون وبلن و آدورنو نگاهی انتقادی به فراغت‌های مدرن دارد. او علاوه بر تحلیل نقش عوامل اقتصادی در اوقات فراغت به تأثیر عوامل دیگری همچون جنسیت تأکید می‌کند. از نظر او مفهوم سرمایه‌داری پدرسالارانه مشخصه‌ای مهم برای توضیح چگونگی شکل‌گیری و تحدید فرصت‌های تفریحی افراد است. گرین معتقد است برای تحلیل فراغت زنان، گذشته از ساختارهای سیاسی و فرهنگی باید به مناسبات خانوادگی آنها به ویژه مسائل مربوط به مراحل زندگی و نقش‌های چندگانه و متداخل زنان که نقش مهمی در فهم الگوهای فراغتی آنها دارد توجه کرد. از نظر وی اوقات فراغت، مانند آفتاب‌پرست، با تغییر شرایط و جدیت رقبایش رنگ عوض می‌کند.

نقش‌های جنسیتی یکی از این رقباست که گرین معتقد است نقش مهمی در مطالعات فراغت دارد.

از محدودیت‌های آشکار فراغت زنان می‌توان به کمبود زمان و کمبود فضاها و امکانات فراغتی و در نتیجه محدودیت گزینه‌های فراغت اشاره کرد. اگرچه جنسیتی شدن حوزه‌ی اجتماعی بر طیف فعالیت‌های تفریحی مؤثر بوده اما حتی تفریحات درون منزل نیز با جنسیت در ارتباط است: «زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در فعالیت‌های فراغتی، کمتر شرکت می‌کنند و دامنه‌ی گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین از آنان انتظار می‌رود بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده بگذرانند». در هر سه عامل کلیدی مذکور، یعنی وقت، فعالیت و فضا، زنان وضعیت نامساعدی دارند. وقت زنان برای فراغت، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که در آن می‌توانند به فعالیت‌های فراغتی بپردازند و در واقع گزینه‌های فراغتی آنان محدود است (گرین، ۱۹۹۰: ۱۳۶). برای مثال، در مورد فضا تعداد مؤسساتی که زنان می‌توانند آزادانه به آنها مراجعه کنند، بسیار کمتر از موارد مشابه برای مردان است. غالب فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی تحت نظارت مردان قرار دارد. علاوه بر این زنان برای دسترسی به وسایل حمل و نقل خصوصی نیز با محدودیت و مشکل روبه‌رو هستند. محدودیت‌های فضایی - زمانی دامنه‌ی گزینش فعالیت‌های فراغت زنان را بسیار محدود می‌کند، البته به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود. بسیاری از دختران و زنان معمولاً از جهت درآمد به مردان خانواده وابسته‌اند (همان: ۱۹۲-۱۹۰).

پی‌یر بوردیو درباره‌ی فعالیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی تحقیقات متعددی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. بوردیو معتقد است اگرچه بسیاری از تفاوت‌های مربوط

به نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ربطی به طبقه اجتماعی - اقتصادی ندارد، اما پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۵).

با توجه به نظریه‌ی تجربه‌ی بوردیو، تجربه‌های دوران کودکی منجر به ترکیب و شکل‌گیری منش می‌شود. این ترکیب نظامی از حالات و خواست‌های انتقال پذیر است که به عنوان مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علایق، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی است برای درک جهان و تمیز فعالیت‌های مناسب و نامناسب. خواست‌های انتقال پذیر یعنی سلیقه‌ها و علایق مربوط به فراغت، به سلیقه‌ها و علایقی که در فعالیت‌های دیگر بروز می‌کند بستگی دارد. منش بر اساس تجربیات کودکی شکل گرفته و در ذهن جای‌گیر می‌شود و از آنجا که از اوایل کودکی در ذهن قرار گرفته، به طور ناخودآگاه عمل می‌کند و نمی‌توان چیزی را به صورت کامل جایگزین آن کرد. بنابراین شرایط وجودی آن دسته از شرایط خانوادگی و طبقاتی است که شخص در آنها به دنیا می‌آید و منجر به مجموعه‌ای از موارد شرطی‌سازی و به سیستمی از خواست‌ها (منطق تجربه) تبدیل می‌شود. این حالت از نظر بوردیو، بنیادی است که سبک زندگی و فراغت بر پایه‌ی آن شکل می‌گیرد. همان منطق تجربه به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق و فعالیت‌های فراغتی، از ورزش و هنر گرفته تا عضویت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و رفتن به مسافرت در ایام تعطیل و فعالیت‌های غیررسمی، مانند استفاده از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و فراغت‌های خانه محور، عمل می‌کند. البته احتمال دارد که سلیقه‌ها



در جامعه‌ی ما فرهنگ و باورهای مسلط محدودیت‌هایی را درباره‌ی زمان فراغت و فضاهای فراغتی مناسب دختران ایجاد می‌کند. هدایت و نظارت خانواده و اجتماع بر فراغت جوانان فی نفسه مفید است اما چنانچه به افراط گراید فراغت فرد را مختل می‌کند و چه بسا پیامدهای منفی و آسیب‌زا در بر داشته باشد.

بنابراین نظریه‌ی بورديو را که براساس آن گزینش اوقات فراغت پویا بوده و بر تجربیات زندگی فرد و منش او، یعنی علایق و ارزش‌ها و برداشت از فراغت و شایستگی‌های فرهنگی، مبتنی است در جملات زیر می‌توان خلاصه کرد:

افراد با توجه به تجربیات اوان زندگی خویش خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌شود. این خواست‌ها امکان نقل مکان دارد، یعنی در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کند. افراد از نظر برداشتی که از فراغت و از فعالیت‌های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت‌اند. سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی نیاز دارد. گزینه‌های فراغت از علایق و سلیقه‌ها که وسیله‌ای برای تمایز و تشخیص هستند، سرچشمه می‌گیرد.

چارچوب نظری

شهر تهران، به عنوان یکی از کلان شهرهای جوامع در حال توسعه، در دهه‌های اخیر شاهد تحولات سریع و چشمگیری در همه‌ی ابعاد خود بوده است. در این کلان شهر رو به توسعه، همواره با تغییر در سبک و شیوه‌ی زندگی رفتارهای فراغتی نیز تغییر کرده است. اوقات فراغت و رفتارهای فراغتی ناشی از آن بخشی از سبک زندگی مردم را آشکار می‌سازد، به مقوله‌هایی نظیر جنس، سن و طبقه‌ی اجتماعی وابسته بوده و در دو حوزه‌ی درون و بیرون از منزل گذراندنی است (خزائی، ۱۳۸۶: ۱۱).

از این گذشته، اوقات فراغت با ارزش‌ها و نگرش‌های افراد رابطه‌ی نزدیکی دارد. معمولاً فرد در اوقات فراغت فعالیت مورد علاقه‌ی خود را انجام می‌دهد و از این طریق شخصیت خود را شکل داده و آن را ابراز می‌کند. بنابراین هم ارزش‌ها و هم توانایی‌های فرد از طریق اوقات فراغت او نمایان می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که چگونگی گذران اوقات فراغت

و فعالیت‌ها طی تجربیات بعدی تغییر یابد، ولی از نظر بورديو، چنین گزینه‌ای بر طبق منطق ساختاری ترکیب منش عمل می‌کند.

منش شالوده‌ای دارد که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد با تشکیل منش به طیفی از شایستگی‌های فرهنگی یا سرمایه‌ی فرهنگی دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان پذیر می‌سازد. بورديو بر اساس همین فرضیه‌ی تجربی، چگونگی عملکرد گزینه‌ها در فراغت را توضیح می‌دهد. به بیان وی، فعالیت‌های فراغت در واقع حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی است. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاهای مختلف (اعم از باشگاه‌های خصوصی یا تسهیلات عمومی) و رویکردهای گوناگونی که فرد، ممکن است بپذیرد، یافت می‌شود. همه‌ی اینها به شخص امکان انتخاب می‌دهد و البته این گزینه‌ها به شرایط ویژه‌ی در اختیار شخص بستگی دارد. از طرف دیگر، اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص وابسته به توزیع اجتماعی آنهاست؛ به این معنا که اشخاص انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌های خود درباره‌ی گزینه‌های سایر افراد انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی در دسترس و متعارف هستند؛ در حالی که بعضی دیگر به علت کمیابی، گران‌بها، متمایز و به نسبت فاقد دسترسی هستند. در دسترس نبودن، هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و نیازمند آنهاست. بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه‌ی فوتبال الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن است. (هی‌وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۶).

افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف فرهنگ آن جامعه است (صیادی فر، ۱۳۸۵: ۸).

به نظر بوردیو اوقات فراغت یکی از معرف‌های سبک زندگی است. به عبارت ساده‌تر اوقات فراغت و گزینه‌های فراغتی انسان از سبک زندگی او نشئت می‌گیرد. از طرف دیگر، بوردیو معتقد است که موقعیت یا پایگاه اجتماعی، اقتصادی با سبک زندگی پیوند دارد. در نتیجه کسانی که موقعیت‌های اجتماعی مشابهی دارند، سبک‌های زندگی کم و بیش مشابه و ذائقه‌ها و سلیق مشابهی نیز دارند. از طرف دیگر، به نظر بوردیو موقعیت اجتماعی، اقتصادی مبتنی بر میزان بهره‌مندی فرد از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است. میزان دسترسی به منابع مادی (سرمایه‌ی اقتصادی) و منابع فرهنگی (شامل سطح تحصیلات، میزان و نحوه‌ی استفاده از کالاهای فرهنگی) سهم سرمایه‌ی یک فرد و در نتیجه موقعیت اجتماعی و امکانات او را تعیین می‌کند و افراد بسته به موقعیت اجتماعی و منابع در دسترس سبک‌های زندگی خاصی را در پیش گرفته و از امکانات فراغتی و سلیق خاصی برخوردار می‌شوند. این امکانات (مادی و فرهنگی)، گرایش‌ها و سلیق ناشی از آن هم بر روی گزینه‌های فراغتی آنها و هم بر میزان و چگونگی فراغت آنان تأثیر می‌گذارد (شکور، ۱۳۸۵: ۴).

اگرچه بوردیو در تحلیل عوامل مؤثر بر کنش انسان تأثیر موقعیت اجتماعی، اقتصادی را مغفول نمی‌گذارد اما با اتخاذ موضعی وبری به نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در این موقعیت تأکید کرده و نقش سرمایه‌ی اجتماعی (شبکه‌ی دوستان و آشنایان) و سرمایه‌ی فرهنگی (تحصیلات، نوع مصرف خانگی) را در کنش و رفتار انسان برجسته می‌سازد. از این منظر سبک زندگی افراد را با توسل به فرهنگ و ارزش‌ها و نگرش افراد بهتر می‌توان شناخت تا با توجه به دارایی‌ها

و منابع مادی آنها. در نتیجه برای فهم چرایی و چگونگی فراغت افراد، شناخت ارزش‌ها و نگرش‌ها و ذائقه‌ی آنها در انتخاب و مصرف کالاهای مادی و فرهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

علاوه بر بوردیو تورشتاین وبلن نیز به اهمیت شیوه‌ی مصرف و فراغت تأکید و در این باره نظریه‌پردازی کرده است. با این همه وبلن توجه بیشتری به فراغت، تحلیل چند و چون و عوامل مؤثر بر آن نشان داده است. وبلن همچون بوردیو به ارتباط دوسویه‌ی شیوه‌ی مصرف و فراغت با موقعیت اجتماعی توجه کرده و کوشش مصرف‌کننده به مصرف کالاها را تلاشی برای نشان دادن منزلت و موقعیت اجتماعی ارزیابی می‌کند. وبلن اعتقاد دارد مصرف‌کننده برای کسب تشخیص و منزلت اجتماعی مصرف می‌کند. او عقیده دارد مصرف راه نشان دادن موقعیت اجتماعی و ثروت است و این کار از طریق مصرف تظاهری یا اوقات فراغت تظاهری انجام می‌شود (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۰). از نظریات بوردیو و وبلن برمی‌آید که فراغت یکی از عرصه‌های مهم زندگی در دنیای جدید است و با سبک زندگی و مصرف و انتخاب دلخواهانه‌ی رفتارها ارتباط تنگاتنگی دارد. عامل تأثیرگذار دیگر جنسیت است. بی‌روز تمایزهای جنسیتی در فراغت از دیدگاه کلی جامعه دربارهِ تفاوت بین دو جنس ناشی می‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل‌اند. این عوامل از نگرش جامعه به رفتارها و فعالیت‌های مناسب برای زنان و مردان تا تسهیلات، امکانات و فضاهای فراغتی خاص زنان و مردان در تغییر است.

در هر حال این تغییرات حضور زنان در عرصه‌ها و فضاهای شهری را اجتناب‌ناپذیر و نحوه‌ی ساماندهی شهری را دگرگون می‌سازد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی زنان و دختران جوان برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون

خانگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. تمایل دختران جوان به سبک‌های جدید زندگی و فراغت برون خانگی نشان دهنده‌ی دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش هویت‌های جدید در آنان است.

پژوهش‌های اخیرانجام گرفته بر روی اوقات فراغت دانشجویان نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می‌کند (رفعت جاه، سعیدی و کاظمی، ۱۳۸۷). اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد ممکن است فراغت این قشر از بیرون به مکان‌های سرپسته‌ای کشانده شود که پیامدهای منفی بیشتری در پی دارد.

در جامعه‌ی ما فرهنگ و باورهای مسلط محدودیت‌هایی را درباره‌ی زمان فراغت و فضاهای فراغتی مناسب دختران ایجاد می‌کند. هدایت و نظارت خانواده و اجتماع بر فراغت جوانان فی نفسه مفید است اما چنانچه به افراط گراید فراغت فرد را مختل می‌کند و چه بسا پیامدهای منفی و آسیب‌زا در بر داشته باشد.

این موضوع مؤید حساسیت تأثیر نهاد خانواده بر اوقات فراغت جوان است، به خصوص که اوقات فراغت در دوران جوانی اهمیت زیادی داشته و جوان مایل به برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه همسالان است و اگر نهاد خانواده در این دوران به درستی عمل نکند، با اعمال کنترل و محدودیت زیاد یا بی‌توجهی، می‌تواند به اثرات نامطلوب این اوقات را تشدید و یا به رفتارهای آسیب‌زا در اوقات فراغت جوان بیانجامد. اینجا است که حساسیت نظارت مدبرانه خانواده (والدین) نمایان می‌شود (فاضلی نیا، ۱۳۸۰: ۵۱).

محیط خانوادگی وجود روابط عاطفی در خانواده و نظارت صحیح والدین بر اعمال و رفتار فرزندان در پیشگیری از مشکلات

فراغتی آنها تأثیر مهمی دارد. خانواده با اهتمام به اصول فرهنگی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌تواند باعث رشد و شکوفایی شخصیت و ایجاد هویت شخصی مستحکم در فرزندان و مانع از بروز ناهنجاری‌های رفتاری شود (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۷).

روش تحقیق

روش پژوهش در این تحقیق پیمایشی بوده و داده‌ها توسط پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. جهت آشنایی با نظریه‌ها و تحقیقات انجام گرفته در خصوص موضوع تحقیق، در بخش ابتدایی تحقیق از مطالعات اسنادی استفاده شده است. در این مرحله با مطالعات مقدماتی و اکتشافی به تدوین چارچوب و مدل نظری پژوهش و شاخص‌سازی، اقدام و بدین ترتیب مقدمات لازم برای ورود به مرحله‌ی بعدی پژوهش یعنی مرحله‌ی پیمایشی آماده شده است.

جامعه‌ی آماری مطالعه شده در این تحقیق، دختران جوان دانشجو (۲۴-۱۸ ساله) ساکن تهران هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بوده‌اند. در این تحقیق نمونه‌ی مطالعه شده، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین دانشکده‌های این دانشگاه (چهار دانشکده‌ی پیراپزشکی، پرستاری-مامایی، علوم اجتماعی و علوم پایه) انتخاب شد. حجم جامعه‌ی آماری که شامل دختران دانشجوی این دانشکده‌ها در مقطع کارشناسی بوده ۲۶۱۲ نفر و حجم نمونه‌ی بررسی شده که از طریق فرمول کوکران محاسبه شده معادل ۱۸۰ دانشجو بوده و با تعداد دانشجویان دختر در هر دانشکده تناسب دارد.

در این پژوهش سنجش روایی شاخص‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفته است. به علاوه برای سنجش گذران اوقات فراغت، که متغیر وابسته‌ی تحقیق را تشکیل می‌دهد از یک مقیاس چند گویه‌ای استفاده شد. پرسش‌های تحقیق توسط جداول تقاطعی و رگرسیون چند

متغیری واریسی گردید.

(۱) نحوه‌ی کمی کردن مفاهیم و تعریف عملیاتی متغیرها
متغیرهای زمینه‌ای سن و معدل نمرات ترم قبل به صورت ترتیبی و در قالب یک متغیر سه مقوله‌ای سنجیده شده است. رشته‌ی تحصیلی متغیری اسمی است و مقولات مشخصی دارد.

معنای فراغت در ذهن پاسخ‌گویان متغیری اسمی و کیفی است و مقولات متعددی دارد، اما میزان اوقات فراغت در قالب یک متغیر ترتیبی سه مقوله‌ای سنجیده شده است.

برای نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، که توسط مقیاسی ۱۳ گویه‌ای سنجیده شده و متغیر وابسته‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد، ابتدا تحلیل عاملی انجام شد. بر اساس تحلیل عاملی پرداختن به فعالیت‌های ورزشی، رفتن به سینما با اعضای خانواده، مطالعه‌ی داستان، رمان یا سایر منابع مورد علاقه، رفتن به کلاس‌های هنری، تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده با ویدئو بر یک عامل بار شد و در مقوله‌ی فراغت‌های سالم (غیر آسیب‌زا) جای گرفت و رفتن به کافی‌شاپ با دوستان، رفتن به رستوران با دوستان، گشتن در مراکز خرید نظیر پاساژها، گفت‌وگوی اینترنتی و تفریحات خارج از منزل بر روی عامل دیگری بار شد و در مقوله‌ی فراغت‌های آسیب‌زا جای گرفت. نمرات حاصل از این مقیاس به چهار مقوله‌ی سالم، به نسبت سالم، به نسبت آسیب‌زا و آسیب‌زا تقسیم شده است.

میزان اوقات فراغت و ارتباط عاطفی در خانواده در قالب یک متغیر ترتیبی سه مقوله‌ای و میزان کنترل والدین بر رفت و آمد و روابط فرزندان در قالب یک مقیاس سنجیده شده است. میزان هم‌فکری خانواده در رفع مشکلات فرزندان و میزان اطلاع اعضای خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت توسط مقیاس طراحی شده سنجیده و سپس نمرات

این مقیاس‌ها محاسبه شده و در چهار مقوله‌ی کم تا زیاد به صورت متغیری ترتیبی درآمده است.

مصرف رسانه‌های یکی از شاخص‌های مصرف کالای فرهنگی است که توسط نوع و میزان استفاده از ماهواره و اینترنت سنجیده شده است.

در سؤال نوع و میزان استفاده از ماهواره گویه‌ی اول تماشای شوهایی ایرانی و خارجی و کانال‌های مد است. در این مقیاس گویه‌ی سوم که تماشای کانال‌های خبری است ثبت شد. گویه‌های یک و دو آسیب‌زا و گویه‌ی سه غیر آسیب‌زا نامیده شده است. نمره‌ی کم در این متغیر نمایانگر استفاده غیر آسیب‌زا و نمره‌ی زیاد نشان دهنده‌ی استفاده آسیب‌زا از ماهواره است.

در سوال مربوط به نوع و میزان استفاده از اینترنت به سبب پایین بودن همبستگی آلفای گویه‌ها، تنها گویه‌ی سوم (گفت‌وگوی اینترنتی) منظور شد و دو گویه‌ی دیگر (دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار) از تحلیل خارج شد. میزان استفاده از اینترنت در شبانه روز به صورت ترتیبی و در سه مقوله سنجیده شده است.

سبک خرید و مصرف پوشاک که معرف چگونگی مصرف کالاهای مادی است توسط یک مقیاس سنجیده شده و سپس در قالب چهار مقوله‌ی کاربردگرا، به نسبت کاربردگرا، به نسبت مدرن و مدرن رکورد شده است.

متغیر نگرش به معاشرت با جنس مخالف و میزان گرایش به خودآرایی معرف ارزش‌ها و نگرش‌ها بوده و توسط مقیاس سنجیده شده است.

میزان دینداری از جمع نمرات استاندارد شده سه پرسش که بعد پیامدی و بعد مناسبی دین (در اینجا حجاب و نماز و روزه) را می‌سنجد ایجاد شده و در چهار مقوله جای گرفته است.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده از جمع نمرات استاندارد شده متغیرهای

تحصیلات و منزلت شغلی والدین، منطقه‌ی محل سکونت، نوع مالکیت منزل مسکونی، دارا بودن اتاق شخصی و میزان هزینه‌ی ماهیانه‌ی خانواده به دست آمده است و درآمد شخصی مصرفی در ماه را در پنج مقوله ترتیبی سنجیده‌ایم. بعد از آماده‌سازی متغیرها که شرح آن در بالا رفت، ابتدا تحلیل‌های توصیفی و

جدول ۱ - متغیرها و شاخص‌های عمده‌ی استفاده شده در این پژوهش و سطح سنجش آنها

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	سطح سنجش
ویژگی‌های خانوادگی	اطلاع خانواده از نحوه گذراندن اوقات فراغت	فاصله‌ای
	روابط عاطفی در خانواده	فاصله‌ای
	میزان همفکری در درون خانواده	فاصله‌ای
	میزان همراهی اعضای خانواده در اوقات فراغت	فاصله‌ای
	میزان کنترل و نظارت خانواده بر روابط فرد	فاصله‌ای
ویژگی‌های فردی	پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده	ترتیبی
	رشته‌ی تحصیلی	اسمی
	ارزش‌ها و نگرش‌ها	فاصله‌ای
	سبک خرید و مصرف کالاهای مادی	فاصله‌ای
	میزان درآمد مصرفی در ماه	ترتیبی
متغیر وابسته نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	پایبندی دینی	فاصله‌ای
	میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی (اینترنت)	فاصله‌ای
	میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی (ماهواره)	فاصله‌ای
	میزان اوقات فراغت	ترتیبی
	از سالم تا آسیب‌زا	فاصله‌ای

سپس تحلیل‌های تبیینی و استنباطی اول براساس جداول دو بعدی و سپس براساس رگرسیون چند متغیری انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

۱) ویژگی‌های فردی

به لحاظ رشته‌ی تحصیلی در افراد مطالعه شده نسبت دانشجویان علوم پایه و علوم اجتماعی بیشتر از دانشجویان پرستاری و پیراپزشکی بوده و معادل دو به یک است.

به لحاظ ارزش‌ها و نگرش‌ها ۶۰ درصد دانشجویان نسبت به دوستی و رفت و آمد دختر و پسر نگرش موافق داشته و بقیه با این نوع دوستی‌ها مخالف بودند. همچنین حدود دو سوم دانشجویان برای خودآرایی اهمیت زیادی قائل بوده‌اند. در مجموع اگرچه دانشجویان مطالعه شده به ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن تمایل بیشتری نشان داده‌اند اما با ارزش‌های کاملاً مدرن و کاملاً سنتی نیز موافق نبوده‌اند.

در مورد سبک خرید و مصرف هم چنین وضعیتی وجود دارد. سبک خرید و معیارهای خرید پوشاک در نیمی از پاسخ‌گویان به نسبت نوگرا بوده و بقیه به سبک خرید کارکردگرا تمایل بیشتری داشته و در خرید و مصرف خود بیشتر به دوام، قیمت، و راحتی کالا توجه دارند.

همچنین بیش از نیمی از دانشجویان در طول ماه کمتر از ۵۰ هزار تومان برای رفع نیازهای شخصی خود هزینه می‌کنند. یک سوم آنها در طول ماه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و بقیه بیش از ۱۰۰ هزار تومان در ماه برای امور شخصی هزینه می‌کنند.

به لحاظ پای‌بندی دینی بیش از دو سوم دانشجویان پای‌بندی دینی زیادی دارند و در ۲۸ درصد آنان بسیار زیاد و بقیه پای‌بندی دینی به نسبت کم و بسیار کم دارند.

به لحاظ نوع مصرف رسانه‌ای، تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان هیچ یک از

برنامه‌های ماهواره را تماشا نمی‌کنند. در بین سایر پاسخ‌گویان بیشتری میزان استفاده از ماهواره مربوط به تماشای فیلم‌های سینمایی (۳۱/۴ درصد پاسخ‌گویان) و کمترین میزان استفاده از ماهواره به تماشای کانال‌های مد است. پس از تماشای فیلم‌های سینمایی، بیشترین میزان استفاده از ماهواره تماشای کانال‌های شوی ایرانی (۳۰/۷)

درصد پاسخ‌گویان) و بعد از آن تماشای کانال‌های خبری است.

بیش از نیمی از پاسخ‌گویان تاکنون از اینترنت برای گفت‌وگوی اینترنتی (chat) استفاده نکرده‌اند و دو سوم آنها بیشتر برای دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید از اینترنت استفاده می‌کنند و ۴۰ درصد پاسخ‌گویان از اینترنت بیشتر برای مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار بهره می‌گیرند. بنابراین در بین سه نوع استفاده از اینترنت، بیشترین میزان استفاده مربوط به دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و کمترین استفاده برای گفت‌وگوی اینترنتی ذکر شده و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار در حد میانه قرار دارد.

۲) ویژگی‌های خانوادگی

اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت دانشجویان بنا بر اظهار خودشان در نیمی از خانواده‌ها به نسبت زیاد و در ۶۲ درصد خانواده‌ها زیاد بوده و بقیه اطلاع به نسبت کم و کمی از چند و چون فراغت فرزندان‌شان دارند. همچنین بیش از نیمی از پاسخ‌گویان وجود ارتباطات آنها وجود ارتباطات خانوادگی بسیار صمیمانه را در خانواده‌ی خود گزارش کرده‌اند. براساس یافته‌ها میزان کنترل و نظارت والدین بر فراغت فرزندان‌شان در یک سوم خانواده‌ها کم و به نسبت کم بوده اما در ۵۸ درصد خانواده‌ها به نسبت زیاد و در ۸ درصد آنها زیاد بوده است. از این گذشته غالب دانشجویان پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسطی داشتند به طوری که ۵۲ درصد پاسخ‌گویان از پایگاه متوسط، ۱۹ درصد آنها از پایگاه پایین و بقیه از پایگاه بالا برخوردارند.

بیشتر از یک سوم دانشجویان فراغت را به معنای سرگرمی و تفریح می‌دانند. برای ۲۲ درصد آنها فراغت به معنای استراحت کردن است. ۲۲ درصد نیز فراغت را به معنای پرداختن به برنامه‌های هدفمند دانسته‌اند و برای بقیه فراغت به معنای داشتن وقت آزاد برای انجام دادن امور

بین سبک خرید و مصرف

و نحوه‌ی گذران اوقات

فراغت رابطه‌ی معکوسی

دیده می‌شود، به این

ترتیب که هرچه معیارهای

مدگرایی در خرید پوشاک

بیشتر باشد نحوه‌ی

گذران اوقات فرد

آسیب‌زاتر است.



مورد علاقه است.

به لحاظ نحوه‌ی گذران فراغت اکثریت پاسخ‌گویان (۸۱ درصد) فراغت خود را با فعالیت‌های به نسبت سالم پر می‌کنند و ۱۲ درصد آنها اوقات فراغت خود را با فعالیت‌های سالم و فقط ۶ درصد آنها به شیوه‌ی به نسبت آسیب‌زا اوقات فراغت خود را می‌گذرانند. از این گذشته ۴۰ درصد دانشجویان مطالعه شده فراغت خود را طی شبانه روز ۲ تا ۴ ساعت، ۳۵ درصد کمتر از ۲ ساعت و ۱۵/۶ درصد بیشتر از ۴ ساعت ذکر کرده‌اند.

۳) تحلیل روابط میان متغیرها و پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق

نتایج جداول تقاطعی نشان می‌دهد رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با خودپنداره معنادار نبوده و لذا تأیید نشده است. اما نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با گرایش به خودآرایی همبستگی معناداری داشته و نشان می‌دهد هرچه دختر جوان تمایل بیشتری به خودآرایی و جلب توجه در انظار عمومی داشته احتمال آسیب‌زایی اوقات فراغت در او بیشتر بوده است.

بین سبک خرید و مصرف و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معکوسی دیده می‌شود، به این ترتیب که هرچه معیارهای مدگرایانه در خرید پوشاک بیشتر باشد نحوه‌ی گذران اوقات فراغت فرد آسیب‌زاتر است.

نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با میزان درآمد شخصی مصرفی در ماه و میزان رضایت از زندگی همبستگی بسیار ضعیفی داشته و تأیید نشده است. همچنین وجود رابطه بین میزان کنترل و نظارت خانواده و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رد شده است. وجود روابط عاطفی با اعضای خانواده نیز با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ای نداشته است.

رابطه‌ی میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در جداول دویعدی تأیید نشده اما در تحلیل‌های رگرسیونی که

کل	بسیار کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	گرایش به خودآرایی	
					نحوه گذران اوقات فراغت	فراوانی
۱۱/۲	۱۴/۳	۱۵/۸	۵/۹	۱۶/۱	۲۰	سالم
۸۱/۶	۷۱/۴	۸۰/۷	۹۰/۶	۶۱/۳	۱۴۶	به نسبت سالم
۷/۳	۱۴/۳	۳/۵	۳/۵	۲۲/۶	۱۳	به نسبت آسیب‌زا
کل	فراوانی	۷	۵۷	۸۵	۳۱	۱۸۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۲- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و گرایش به خودآرایی

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۶	۰/۰۰۰

کل	کاربردگرا	نوگرا	گرایش به خودآرایی	
			نحوه گذران اوقات فراغت	فراوانی
۱۱/۲	۱۲/۹	۹/۵	سالم	۲۰
۸۱/۶	۸۴/۷	۷۸/۹	به نسبت سالم	۱۴۶
۷/۳	۲/۴	۱۱/۶	به نسبت آسیب‌زا	۱۳
کل	۸۵	۹۵	فراوانی	۱۸۰
	۱۰۰	۱۰۰	درصد	۱۰۰

جدول ۳- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و سبک خرید و مصرف

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۵	۰/۰۰۱

کل	مخالقم	مخالقم کاملاً	موافقم	موافقم کاملاً	گرایش به خودآرایی	
					نحوه گذران اوقات فراغت	فراوانی
۱۱/۲	۱۲/۵	۱۳/۲	۱۰/۲	۹/۸	۲۰	سالم
۸۱/۶	۸۷/۵	۸۴/۲	۷۹/۷	۷۸/۴	۱۴۶	به نسبت سالم
۷/۳	۰	۲/۶	۱۰/۲	۱۱/۸	۱۳	به نسبت آسیب‌زا
کل	فراوانی	۳۲	۳۸	۵۹	۵۱	۱۸۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۴- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و نگرش به رابطه با جنس مخالف

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۲۳	۰/۰۰۳

کل		همیشه	بیشتر مواقع	گاهی اوقات	به ندرت	هیچ	میزان حضور در مهمانی‌های مختلط	
درصد	فراوانی						نحوه گذران اوقات فراغت	
۱۱/۱	۲۰	۱/۷	۴/۳	۷/۱	۱۰	۱۶	سالم	
۸۱/۷	۱۴۷	۷۱/۴	۶۹/۶	۹۰/۵	۸۰	۸۲/۷	به نسبت سالم	
۷/۲	۱۳	۲۱/۴	۲۶/۱	۲/۴	۱۰	۱/۲	به نسبت آسیب‌زا	
	۱۸۰	۱۴	۲۳	۴۲	۲۰	۸۱	فراوانی	کل

جدول ۵- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و میزان شرکت در مهمانی‌های مختلط

سطح معناداری	مقدار	آماره
۰/۰۰۰	۰/۳۱۶	پیرسون

کل		آسیب‌زا	به نسبت آسیب‌زا	به نسبت سالم	سالم	نوع استفاده از ماهواره	
درصد	فراوانی					نحوه گذران اوقات فراغت	
۱۱/۲	۲۰	۰	۸/۷	۱۱/۹	۱۵/۸	سالم	
۸۱/۶	۱۴۶	۸۳/۳	۷۶/۱	۸۴/۴	۷۸/۹	به نسبت سالم	
۷/۳	۱۳	۱۶/۷	۱۵/۲	۳/۷	۵/۳	به نسبت آسیب‌زا	
	۱۸۰	۶	۴۶	۱۰۹	۱۹	فراوانی	کل
۱۰۰		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

جدول ۶- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و نوع استفاده از ماهواره

سطح معناداری	مقدار	آماره
۰/۰۰۰	۰/۲۶۸	پیرسون

کل		زیاد	به نسبت زیاد	کم	به نسبت کم	میزان پای‌بندی به دین	
درصد	فراوانی					نحوه گذران اوقات فراغت	
۱۱/۱	۲۰	۱۵/۷	۸/۸	۱۱/۴	۵/۹	سالم	
۸۱/۷	۱۴۷	۸۲/۴	۸۶/۸	۷۷/۳	۷۰/۶	به نسبت سالم	
۷/۲	۱۳	۲	۴/۴	۱۱/۴	۲۳/۵	به نسبت آسیب‌زا	
	۱۸۰	۵۱	۶۸	۴۴	۱۷	فراوانی	کل
۱۰۰		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

جدول ۷- رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و میزان پای‌بندی به دین

سطح معناداری	مقدار	آماره
۰/۰۲۰	۰/۱۱۹	کندال C
۰/۰۰۳	۰/۲۴۴	پیرسون

در آن تأثیر سایر متغیرها کنترل شده این متغیر نشان‌دهنده‌ی تأثیری معنادار است.

تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و میزان همراهی خانواده در اوقات فراغت بر نحوه‌ی گذران فراغت تأیید نشده است، اما رابطه‌ی نگرش به رابطه با جنس مخالف با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ضریب همبستگی ۰/۲۲ داشته و از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر هرچه نگرش به رابطه با جنس مخالف مثبت‌تر می‌شود نحوه‌ی گذران اوقات فراغت به شکل آسیب‌زا تمایل پیدا می‌کند. ضریب همبستگی بین میزان حضور در مهمانی‌های مختلط با نحوه‌ی گذران فراغت قابل ملاحظه (۰/۳۱) و معنادار و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر است. به این معنی که هرچه میزان حضور دختران در مهمانی‌های مختلط بیشتر باشد نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها آسیب‌زاتر خواهد بود.

همچنین نوع استفاده از ماهواره بر نحوه‌ی گذران فراغت تأثیر می‌گذارد. یعنی هرچه در استفاده از ماهواره فرد به کانال‌های شو و مد علاقه‌ی بیشتری نشان داده، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت او آسیب‌زاتر بوده است.

پای‌بندی دینی با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت همبستگی معکوس و معنادار دارد. بدین معنی که با افزایش میزان پای‌بندی افراد به دین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها سالم‌تر می‌شود و با کاهش میزان دینداری نحوه‌ی گذران اوقات فراغت به آسیب‌زایی میل می‌کند.

پس از بررسی جداول دوبعدی، توسط رگرسیون چندمتغیری، تأثیر خاص متغیرهای مستقل بر نحوه‌ی گذران فراغت استخراج و با یکدیگر مقایسه شد. طبق جدول رگرسیونی نهایی از میان متغیرهای مؤثر بر متغیر وابسته تنها سه متغیر «میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت» با ضریب

رگرسیون استاندارد ۰/۲۷۹-؛ «نگرش به رابطه با جنس مخالف» با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۲۸۴ و «گرایش به خودآرایی» با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۳۵ با نحوه‌ی گذران فراغت رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهند و تأثیر بقیه‌ی متغیرها بر متغیر وابسته ناچیز بوده یا معنادار و تعمیم‌پذیر به جامعه‌ی آماری نبوده است.

پس از بررسی نتایج و داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، اکنون می‌توان به پرسش‌های تحقیق پاسخ گفت:

الف- معنای فراغت در ذهن دختران مطالعه شده

بر اساس نتایج تحقیق، فراغت در ذهن دختران مطالعه شده چهار معنای مختلف داشته است. برای ۳۴ درصد یعنی یک سوم این دختران، فراغت به معنای سرگرمی و تفریح بوده، ۲۲ درصد یعنی حدود یک چهارم آنها فراغت را به معنای استراحت دانسته‌اند و ۲۲ درصد نیز فراغت را به معنای گذران وقت آزاد به شکل هدفمند و رضایت‌بخش یعنی با

برنامه‌ریزی قبلی و برای نیل به یک هدف خاص ابراز کرده‌اند و در نهایت ۲۱ درصد پاسخ‌گویان نیز فراغت را معادل وقت آزاد یا بیکاری یعنی زمانی که فرد فارغ از هر نوع مسئولیتی است برشمرده‌اند.

با توجه به پاسخ‌های فوق، اکثریت پاسخ‌گویان فراغت را به معنای تفریح و سرگرمی دانسته‌اند و در مجموع حدود ۷۷ درصد دختران مطالعه شده از فراغت معنایی انفعالی و توأم با بیکاری، استراحت و تفریح در ذهن دارند. نتایج فوق حاکی است که اکثریت پاسخ‌گویان (۷۷ درصد) به اوقات فراغت به عنوان زمانی برای فعالیت‌های هدفمند که در کنار سرگرمی و لذت می‌تواند باعث تعالی آنها در زمینه‌های مختلف هنری، ورزشی، علمی و... شود نگاه نمی‌کنند و معمولاً برنامه‌ریزی قبلی برای گذران اوقات فراغت خود ندارند.

ب- میزان فراغت دختران دانشجوی حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان فراغت روزانه‌ی خود را ۲ تا ۴ ساعت و ۳۵ درصد از آنها کمتر از ۲ ساعت ذکر کرده‌اند. ۱۵

درصد از پاسخ‌گویان نیز اوقات فراغت روزانه‌شان بیش از ۴ ساعت ذکر شده است.

ج- الگوهای عمده در فعالیت‌های فراغتی دختران دانشجوی

با تحلیل عاملی گویه‌های جدول، فعالیت‌های فراغتی پاسخ‌گویان به دو گروه فعالیت‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا تقسیم شدند. در نتیجه الگوهای عمده‌ی فراغتی بررسی شده در تحقیق فوق عبارتند از سالم، به نسبت سالم و به نسبت آسیب‌زا و کاملاً آسیب‌زا. نتایج تحقیق حاکی است که اگرچه در گذران اوقات فراغت دختران دانشجوی پاسخ‌گو، الگوهای فراغتی آسیب‌زا وجود دارد، اما هیچ کدام از پاسخ‌گویان الگوی فراغتی کاملاً آسیب‌زا ندارند و فقط ۶ درصد آنها الگوی فراغتی به نسبت آسیب‌زا دارند. در مقابل ۸۱ درصد پاسخ‌گویان الگوی فراغتی به نسبت سالم و ۱۲ درصد آنها الگوی فراغتی کاملاً سالم دارند.

د- عوامل فردی مؤثر بر اوقات فراغت طبق نتایج حاصل از روابط متقاطع و

سطح معناداری	ضریب رگرسیون استاندارد	
۰/۰۰۲	۰/۳۷۹	میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت
۰/۰۰۲	۰/۲۸۴	نگرش به رابطه با جنس مخالف
۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	گرایش به خودآرایی
	۱۰/۱۰۴	F
	۰/۵۲۴	R
	۰/۲۷۵	R2
	۰/۲۵۳	R2 تعدیل شده

جدول شماره ۸: رگرسیون استاندارد چند متغیری مبین رابطه‌ی متغیرهای مستقل و نحوه‌ی گذران فراغت



**تحلیل یافته‌های
این مطالعه نشان
می‌دهد، اکثریت
دانشجویان مورد
مطالعه از فراغت
معنایی انفعالی و
توأم با بیکاری،
استراحت و سرگرمی
در ذهن دارند و به
اوقات فراغت به
عنوان زمانی برای
فعالیت‌های هدفمند
و برنامه‌ریزی شده
که می‌تواند باعث
بازتوانی و رشد آنها
شود نگاه نمی‌کنند**

یا برداشت از خود، ارزش‌ها و نگرش‌ها (در خصوص رابطه با جنس مخالف و در خصوص آرایش)، میزان رضایت از زندگی، میزان درآمد مصرفی در ماه، میزان پایبندی دینی، نوع استفاده از ماهواره (که در زمره ویژگی‌های فردی جای دارند)، میزان اطلاع خانواده از نحوه گذراندن اوقات فراغت، میزان کنترل و نظارت خانواده، میزان روابط عاطفی در خانواده و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده (که در مقوله‌ی ویژگی‌های خانوادگی جای می‌گیرند)، سه متغیر میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت، نگرش به رابطه با جنس مخالف و نگرش به آرایش رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته (نحوه گذران اوقات فراغت) داشتند.

به عبارت دیگر می‌توان اظهار داشت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران مطالعه شده و میزان اطلاع خانواده‌ی آنها از نحوه گذران فراغتشان بیشترین تأثیر را در نحوه گذران اوقات فراغت آنها دارد. بدین معنی که هرچه نگرش آنان به رابطه با جنس مخالف مثبت‌تر و گرایش آنان به خودآرایی بیشتر و میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت آنان کمتر باشد، گذران اوقات فراغت آسیب‌زا در آنها بیشتر می‌شود.

سایر متغیرها حتی متغیرهایی که در جداول دوبعدی همبستگی معناداری با متغیر وابسته نشان دادند در نتایج رگرسیون چندمتغیری که در آن تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر کنترل و روابط خالص میان متغیرها آشکار می‌شود، رابطه‌ی معناداری با نحوه گذران فراغت نشان نمی‌دهند.

چنانچه ضریب تبیین R^2 نشان می‌دهد با این سه متغیر می‌توان حدود ۲۷ درصد از تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت را تبیین کرد و ضریب همبستگی چندگانه R این متغیرها با متغیر وابسته معادل $0/52$ است.

جدول دوبعدی، بین متغیرهای سن، رشته‌ی تحصیلی، عملکرد تحصیلی، خودپنداره، درآمد شخصی مصرفی در ماه با نحوه گذران اوقات فراغت همبستگی مشاهده نشد یا میزان همبستگی بسیار کم بوده و چشمگیر نبود. در عوض میان گرایش به آرایش، سبک خرید و مصرف پوشاک، نگرش به رابطه‌ی جنس مخالف، میزان حضور در مهمانی‌های مختلط و استفاده‌ی آسیب‌زا از ماهواره همبستگی مثبت و میان میزان پایبندی به دین و نگرش منفی به رابطه با جنس مخالف همبستگی منفی و رابطه‌ی معکوس مشاهده شد.

هـ- عوامل خانوادگی مؤثر بر اوقات فراغت

با بررسی نتایج به دست آمده از جداول دوبعدی مبین روابط متقاطع بین متغیرهای عوامل خانوادگی با نحوه گذران اوقات فراغت می‌توان اظهار کرد بین میزان کنترل و نظارت خانواده، میزان ارتباط عاطفی در خانواده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و میزان همراهی خانواده در گذران اوقات فراغت فرد با متغیر وابسته همبستگی معناداری وجود ندارد و رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای مربوط به عوامل خانوادگی با نحوه گذران اوقات فراغت تنها متغیر اطلاع خانواده از نحوه گذران اوقات فراغت فرد را شامل می‌شود.

و- عوامل مهم مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت دختران مطالعه شده

در پاسخ‌گویی به این پرسش برای بررسی نهایی و به دست آوردن متغیرهایی که در روابط علی همبستگی خالص با متغیر وابسته دارند، از رگرسیون چندمتغیری استفاده شد تا روابط علی و تأثیر خالص متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته استخراج و میزان تأثیر عوامل پیش‌بینی شده در مدل نظری تحقیق با یکدیگر مقایسه شود.

چنان که در جدول بالا مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای مستقل خودپنداره

نتیجه‌گیری

به لحاظ ارزش‌ها و نگرش‌ها، در مجموع اگرچه دانشجویان مطالعه شده به ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن تمایل بیشتری نشان داده‌اند اما با ارزش‌های کاملاً مدرن و کاملاً سنتی نیز موافق نبوده‌اند.

در مورد سبک خرید و مصرف هم چنین وضعیتی وجود دارد. سبک خرید و معیارهای خرید پوشاک در نیمی از پاسخ‌گویان به نسبت نوگرا بوده و بقیه به سبک خرید کارکردگرا تمایل بیشتری داشته و در خرید و مصرف خود بیشتر به دوام، قیمت، و راحتی کالا توجه دارند.

به لحاظ نوع مصرف رسانه‌ای، تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان هیچ یک از برنامه‌های ماهواره را تماشا نمی‌کنند. در بین بقیه، بیشترین میزان استفاده از ماهواره مربوط به تماشای فیلم‌های سینمایی و کانال‌های شوی ایرانی است. همچنین بیشتر دانشجویان بهره‌گیرنده از اینترنت برای دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید از اینترنت استفاده می‌کنند و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار در مرتبه‌ی بعد قرار دارد.

تحلیل یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، اکثریت دانشجویان مورد مطالعه از فراغت معنایی انفعالی و توأم با بیکاری، استراحت و سرگرمی در ذهن دارند و به اوقات فراغت به عنوان زمانی برای فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده که می‌تواند باعث بازتوانی و رشد آنها شود نگاه نمی‌کنند و معمولاً برنامه‌ریزی قبلی برای گذران اوقات فراغت خود ندارند. با این همه نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیش از نود درصد این دانشجویان الگوهای فراغتی به نسبت سالم و کاملاً سالم دارند و تنها شش درصد آنها الگوی فراغتی به نسبت آسیب‌زا دارند.

از میان عوامل فردی لحاظ شده، سبک زندگی و مصرف، ارزش‌ها و نگرش‌ها، میزان و نوع استفاده از رسانه و میزان پایبندی دینی با چگونگی اوقات فراغت

ارتباطی معنادار دارند، اما از میان عوامل خانوادگی گوناگونی که در مطالعه وارد شد فقط تأثیر اطلاع خانواده بر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت تأیید شده است. با توجه به شدت و ضعف تأثیر متغیرها و بر اساس تحلیل‌های رگرسیونی می‌توان اظهار کرد که ارزش‌ها و نگرش‌های دختران مطالعه شده و میزان اطلاع خانواده‌ی آنها از نحوه‌ی گذران فراغتشان بیشترین تأثیر را در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها دارد.

این موضوع مؤید این مطلب است که در چگونگی گذران اوقات فراغت عوامل فردی بیشتر از عوامل خانوادگی تأثیر دارد و این امر چه بسا ناشی از غلبه‌ی فرایند فردگرایی در جوانان و نشان دهنده‌ی آن است که امروزه در ارزش‌ها و رفتار آنها از تأثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله گروه دوستان و رسانه‌های جمعی تأثیر بیشتری بر جای می‌گذارند.

یافته‌های این مطالعه با پژوهش‌های اخیر درباره‌ی اوقات فراغت جوانان همخوانی دارد. پژوهش آزاد ارمکی (۱۳۸۵) درباره‌ی الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران یکی از تغییرات صورت گرفته در ساختار فراغت را افزایش گرایش به فعالیت‌های فردی و انفعالی و توأم با سرگرمی گزارش کرده است. همچنین یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد عمده‌ترین فعالیت‌های فراغتی ایرانیان شامل استفاده از رسانه‌های صوتی، تصویری، استراحت و فعالیت‌های شخصی بوده است.

از این گذشته، در پژوهش «مطالعه‌ی الگوهای فراغتی دانشجویان ساکن در خوابگاه» (رفعت‌جاء، ۱۳۸۷) نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شیوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنها از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پایبندی دینی و میزان

برنامه‌ریزی آنها برای فراغت ارتباط دارد. این پژوهش با بخشی از یافته‌های پژوهش در سبک‌های فراغت دانشجویان (کاظمی، ۱۳۸۷) نیز که غلبه‌ی سبک فراغت سرگرمی محور را در دانشجویان گزارش کرده همخوانی دارد. همچنین در این پژوهش، گرایش کمتر دختران دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب‌زا در اوقات فراغت تأیید شده است.

از طرف دیگر، براساس چارچوب نظری انتظار می‌رفت اوقات فراغت با سبک زندگی و مصرف ارتباط داشته باشد نتایج مطالعه مؤید این ارتباط است. همچنین مطابق چارچوب یاد شده اوقات فراغت صرفاً با جایگاه طبقاتی تبیین نمی‌شود و عوامل فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌ها در تحلیل آن نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. این تأثیرگذاری هم مستقیم و بی‌واسطه است و هم غیرمستقیم از طریق ایجاد ترجیحات و سلیقه‌ی خاص. زیرا ارزش‌ها و نگرش‌ها که عمدتاً در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود به صورت علایق، سلیقه‌ها، خواسته‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، بروز می‌یابد. نتایج پژوهشی نیز نشان می‌دهد که شیوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت از فراغت، اولویت‌های ارزشی، اهداف فرهنگی و آرزوهای آنها در زمینه‌های گوناگون ارتباط دارد. این یافته‌ها جنبه‌ی دیگری از چارچوب نظری پژوهش را که بر اساس آن ارزش‌ها و سلیقه‌ی علایق برآمده از آنها متعلق به نظامی است که جنبه‌های مختلف زندگی روزمره جلوه‌گر می‌شود را تأیید می‌کند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و دیگران، (۱۳۸۴). «مقایسه اوقات فراغت خانواده طی سه نسل»، فرهنگ اندیشه، ش ۲۳-۲۲.
- استریناتی، دومینیک. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه‌ی ثریا پاک‌نظر، تهران، گام نو.

کوزر، لوپس. (۱۳۸۰). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.

کوهستانی، حسینعلی و علی‌اصغر خلیل‌زاده. (۱۳۷۸). **پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن**، مشهد، تیهو.

محمدی، زهرا. (۱۳۸۳). **بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۸۰-۱۳۷۰**، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.

نوابی‌نژاد، شکوه. (۹۷۳۱). **رفتارهای بهنجار و ناهنجار نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان**، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

هی‌وود، لس و همکاران. (۱۳۸۰). **اوقات فراغت**، ترجمه‌ی محمد احسانی، تهران، امید دانش.

Aitchison, C & M Leod, N.E. 2000. **Leisure and Tourism Landscape**, Rutledge

Bittman & Wajcman. "The Rush Hour", in *Journal of Sociology* (79) (2000)

Furlong, A & Carmel. "Leisure and Life Style in Young People and Social Change", Open University Press, USA (1997)

Green, E. & Carrie Singleton, (2006) **Risky Bodies at Leisure in Sociology** (40)

Green, E. & S. Hebron, & D. Woodward. 1990. **Women's Leisure, what leisure**, London, Macmillan

Hargreaves, j. 1989. **The promise and problems of women's leisure and sport**, in *Leisure for Leisure*, Venture publishing: State Collage

1986. **Sport, Power and Culture**, Cambridge, Polity Press

Rojek, C. 2006. **A Handbook of Leisure Studies**, Palgrave, Macmillan

2005. **Leisure Theory**, Basingstoke, Palgrave, Macmillan

Robinson, J.P. & G. Godbey. 1997. **Time for Life: The Surprising Ways Americans Use Their Time**. University Park, PA, Pennsylvania State University Press

Rapoport, R. & R.N. Rapoport. 1975. **Leisure and the Family Life Cycle**, London, Rutledge

برگرفته از:

فصلنامه‌ی **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۵۰

اشرف الکتابی، منوچهر. (۱۳۷۹). **بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)**، به راهنمایی دکتر باقر ساروخانی (تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)

انصاری مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲). **اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)**، به راهنمایی دکتر ناصر فکوهی (تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)

جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). **پی‌یر بوردیو**، ترجمه‌ی لیلا جوهرافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نی

دبیرخانه شورای عالی جوانان. (۱۳۷۴). **چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان**، تهران، اهل قلم

دومازیه، ژوفر. (۱۳۵۲). «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»، ترجمه‌ی م آدینه، **فرهنگ و زندگی**، ش ۱۲ (پاییز)

رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۷). **بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران**، تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

ساروانی، باقر. (۱۳۷۵). **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران، کیهان، ج ۲.

سلگی، محمد، بهرام صادق‌پور و همکاران. (۱۳۸۲). **بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان**، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، تهران، اهل قلم

شفیعی، سمیه سادات. (۱۳۸۳). **میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت**، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی)

شکوری، علی. (۱۳۸۵). «تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، مطالعه‌ای در جوانان شهر تهران»، **رسانه**، ش ۲، (پاییز)

صیادی‌فر، سمیه. (۱۳۸۵). «برنامه‌های اوقات فراغت تولید فرهنگ می‌کند»، **اعتماد**، ش ۱۰۹۲، سال ۸، (فروردین)

فاضلی‌نیا، فرزانه. (۱۳۸۰). **نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)**، به راهنمایی دکتر طیبه زندی‌پور (تهران، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی)

«قدرت، جنسیت و فراغت»، سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، (اردیبهشت ۸۶)

کاظمی، عباس. (۱۳۸۷). **بررسی سبک‌های فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته آن**، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، تهران.